

بسم الله الرحمن الرحيم

۱۳۹۶/۰۴/۲۵

موضوع: بررسی حکم بغض نسبت به امیرالمؤمنین در کتب مسلمانان

برنامه حبل المتین

مجری:

بسم الله الرحمن الرحيم

درس دین و دین‌مداری می‌دهد مولا علی

درس حلم و پایداری می‌دهد مولا علی

در بر گردن کشان و در میان مؤمنین

درس خشم و خاکساری می‌دهد مولا علی

الحمد لله الذي جعلنا من المتمسكين بولاية مولانا امير المؤمنين و الأئمة المعصومين (عليهم السلام)

اللهم صل على محمد و آل محمد و عجل فرجهم

سلام و درود به پیشگاه بینندگان خوب، عزیز، باصفا، نورانی و دوست‌داشتنی «شبکه جهانی ولایت»؛ ان‌شاءالله خوب و سلامت باشید. هرکجای ایران در شمال و جنوب و شرق و غرب دیار اسلامی ما حضور دارید و نفس می‌کشید بهترین‌ها را برای شما آرزومند هستم.

بینندگان خوب و دوست‌داشتنی ما در هر کجای این عالم هستند در هر کشور و هر قاره‌ای که نگاه باصفا و مهربانشان را به برنامه زنده حبل‌المتین هدیه داده‌اند برای شما عزیزان هم بهترین‌ها را آرزو می‌کنم. الهی که دل‌های شما خوش باشد و پر از نور و نورانیت باشد.

الهی شکر که خداوند دوباره به ما توفیق داد امشب خدمت شما رسیدیم تا برنامه «حبل‌المتین» را تقدیم کنیم.

راه‌های ارتباطی ما در همین ابتدای برنامه برای شما زیرنویس می‌شود. سامانه پیام کوتاه «۳۰۰۰۱۲۰۳» که مخصوص دوستان ما در ایران است و به راحتی می‌توانند با گوشی همراه خودشان پیامک بدهند.

پیام‌های شما حتماً به دست ما می‌رسد و دوستان ما در اختیار بنده قرار خواهند داد. شماره تلفنی در اختیارتان هست که از طریق فضای مجازی واتس‌آپ، تلگرام و وایبر می‌توانید برای ما پیام بدهید.

بحمدالله فضا برای ارتباط با «شبکه جهانی ولایت» در هرکجای این عالم که هستید برای فراهم هست. ما آماده هستیم تا پیام‌های شما را دریافت کنیم؛ می‌توانید از عشق و ارادت و محبت خود نسبت به ساحت مولا امیرالمؤمنین هم برای ما بگویید که دل ما شاد بیشتر شود.

امشب هم توفیق داریم در محضر استاد بزرگوارمان حضرت آیت‌الله دکتر حسینی قزوینی هستیم. استاد سلام علیکم و رحمة الله؛

### آیت‌الله دکتر حسینی قزوینی:

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته؛ بنده هم به بینندگان عزیز، گرامی و دوست‌داشتنی که در هرکجای این گیتی پهناور مهمان این برنامه هستند و ما را مهمان کانون گرم و باصفای خانواده خودشان قراردادند خالصانه‌ترین سلامم را، همراه با آرزوی موفقیت تقدیم می‌کنم.

خدا را قسم می‌دهیم به آبروی محمد و آل محمد فرج مولای ما حضرت بقیة الله الأعظم (ارواحنا له الفداه) را نزدیک نموده و ما را یاران آن بزرگوار قرار بدهد.

از خداوند متعال می‌خواهیم دغدغه‌های فکری ما و شما را برطرف سازد، حوائج ما و شما گرامیان را برآورده نماید و دعاهای ما و شما را به اجابت برساند؛ ان شاءالله.

### مجری:

ان شاءالله؛ حضرت استاد از شما خیلی ممنونم. عزیزان بیننده همان‌طور که می‌دانید و مدت‌هاست در برنامه اعلام کردیم بینندگان ما به ویژه غنچه‌های ولایت می‌توانند در مسابقه تلفنی برنامه ما شرکت کنند و در این برنامه مشارکت کنند و البته ما هم هدایایی تقدیمشان خواهیم کرد.

موضوعی که قرار است شما در مورد آن صحبت کنید و به مدت ۵ دقیقه زمان خود را تنظیم بفرمایید بحث مشروعیت توسل از دیدگاه قرآن و آیاتی که در این مورد آمده است، سنت و روایاتی که به دست ما رسیده است. شما همچنین می‌توانید مواردی از توسل در سیره صحابه و اهل بیت عصمت و طهارت را برای ما بفرمایید. مطالب به صورت خلاصه، مختصر و مفید در ۵ دقیقه باشد.

ان شاءالله در زمان خودش دوستان ما قرعه‌کشی خواهند کرد که به ۵ نفر اول سکه تمام بهار آزادی، ۵ نفر دوم نیم سکه بهار آزادی و ۵ نفر سوم ربع سکه بهار آزادی خواهند گرفت. در مجموع ۱۵ نفر انتخاب خواهند شد و این هدایا به آنها اهدا خواهد شد.

استاد دوستان بیننده حتماً در ذهن شریفشان است که در برنامه گذشته به این موضوع پرداختیم که «ابن تیمیه» به صراحت گفته که بسیاری از صحابه و تابعین بغض امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) را داشتند و با آن بزرگوار جنگیده‌اند.

اگر امکان دارد خلاصه‌ای از مطالب گذشته بفرمایید تا ذهن دوستان آماده شود، سپس بنده سؤالات جدید را عرض کنم.

**موضوع: بغض صحابه نسبت به امیرالمؤمنین با استناد به روایت «ابن تیمیه»**

**آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لاسيما على مولانا بقیة الله و اللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم لقاء الله أفوض أمری إلى الله إن الله بصير بالعباد حسبنا الله و نعم الوكيل نعم المولى و نعم النصير رب أدخلنى مدخل صدق و أخرجنى مخرج صدق و اجعلنى من لدنك سلطانا نصيرا

در برنامه‌های قبل عرض شد که وهابیت عمدتاً در طول این ۷۰۰ یا ۸۰۰ سال به‌ویژه در عصر حاضر در شبکه‌های ماهواره‌ای خود شبانه‌روز در تلاش هستند و تبلیغ می‌کنند که شیعیان نسبت به صحابه نظر نادرستی دارند، به صحابه ناسزا می‌گویند و به آن‌ها توهین می‌کنند.

اولاً نظر شیعه این چنین نیست و آن‌ها به شیعیان دروغ می‌بندند. بنده نظر مراجع شیعه را نسبت به صحابه، نظر اهل سنت و روایات ائمه (علیهم السلام) را نسبت به صحابه عرض کردیم.

شیعه مانند اهل سنت معتقد به عدالت همه صحابه نیست و این نظر هم برگرفته از قرآن شریف است. قرآن کریم در کنار مدح و ثنایی که برای صحابه دارد از طرفی دیگر می‌فرماید:

**(يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُضْحِكُوا عَلَى مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ)**

ای کسانی که ایمان آورده‌اید اگر شخص فاسقی خبری برای شما بیاورد درباره آن تحقیق کنید، مبادا به گروهی از روی نادانی آسیب برسانید، و از کرده خود پشیمان شوید.

**سوره حجرات (۴۹): آیه ۶**

و:

**(وَ إِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انفَضُوا إِلَيْهَا وَ تَرَكَوْكَ قَائِمًا قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ اللَّهْوِ وَ مِنَ التِّجَارَةِ وَ اللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ)**

هنگامی که تجارت یا سرگرمی و لهوی را ببینند پراکنده می‌شوند و به سوی آن می‌روند، و تو را ایستاده به حال خود رها می‌کنند، بگو آنچه نزد خدا است بهتر از لهو و تجارت است و خداوند بهترین روزی دهندگان است.

**سوره جمعه (۶۲): آیه ۱۱**

امثال این آیات در قرآن کریم وجود دارد. صحابه هم مثل دیگر مسلمانان افراد خوب و متدینی دارند و آن‌ها قطعاً اهل بهشت هستند؛ همان‌طور که مرحوم «شیخ طوسی (رضوان الله تعالی علیه)» می‌فرماید: ما از صحابه انتظار شفاعت داریم همان‌طور که از نبی مکرم انتظار شفاعت داریم.

«ابن تیمیه» و «محمد بن عبدالوهاب» زمانی که به صحابه می‌رسند خط قرمزها را کنار می‌گذارند. «محمد بن عبدالوهاب» در کتاب «کشف الشبهات» صفحه ۳۹ به صراحت می‌گوید: تعدادی از کسانی که در رکاب پیامبر بودند مرتد شدند، از ایمان برگشتند و کافر شدند!!

او در ادامه می‌گوید: اینکه ما مسلمانان را که گوینده «لا إله إلا الله» هستند تکفیر می‌کنیم و می‌کشیم را از قرآن و نبی مکرم یاد گرفته‌ایم. همانطور که شما اشاره کردید «ابن تیمیه» در کتاب «منهاج السنة النبوية» جلد ۷ صفحه ۱۳۷ می‌نویسد:

«فان كثيرا من الصحابة و التابعين كانوا يبغضونه و يسبونونه و يقاتلونهم»

بسیاری از صحابه و تابعین بغض علی را در دل داشتند و او را سب می‌کردند و با او به قتال می‌پرداختند.

منهاج السنة النبوية، اسم المؤلف: أحمد بن عبد الحلیم بن تیمیة الحرانی أبو العباس، دار النشر: مؤسسة قرطبة - ۱۴۰۶، الطبعة: الأولى، تحقیق: د. محمد رشاد سالم، ج ۷، ص ۱۳۷، فصل قال الرافضی البرهان

الثانی عشر جلد هفتم صفحه ۱۳۷

همچنین در صفحه ۱۴۷ وارد شده است:

«وَقَدْ عَلِمَ قَدْخُ كَثِيرٍ مِنَ الصَّحَابَةِ فِي عَلِيٍّ»

بسیاری از صحابه نسبت به علی بن ابی طالب اعتراض داشتند و او را تنقیص می‌کردند.

منهاج السنة النبوية، اسم المؤلف: أحمد بن عبد الحلیم بن تیمیة الحرانی أبو العباس، دار النشر: مؤسسة

قرطبة - ۱۴۰۶، الطبعة: الأولى، تحقیق: د. محمد رشاد سالم، ج ۷، ص ۱۴۷، فصل البرهان الخامس عشر "

وَلَتَعْرِفَنَّهُمْ فِي لَحْنِ الْقَوْلِ " والجواب عليه

ما امثال این قضایا را مطرح کردیم. همچنین عرض کردیم که این سخن «ابن تیمیه» دو حالت دارد؛ یا دروغ است و یا راست است.

اگر واقعاً دروغ گفته باشد که کثیری از صحابه امیرالمؤمنین را سب می‌کردند، از امیرالمؤمنین بغض داشتند و با آن بزرگوار مقاتله کردند؛ عزیزان اهل سنت باید از ساحت صحابه دفاع کنند که چرا به ساحت صحابه چنین افتزائی می‌بندند و از لفظ «کثیر من الصحابة» استفاده می‌شود.

اگر سخن «ابن تیمیه» راست است و:

«فان كثيرا من الصحابة و التابعين كانوا يبغضونه و يسبونونه و يقاتلونونه»

در این صورت سب، بغض و قتال با حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) چه حکمی دارد؟ عزیزان اهل سنت ما بارها در شبکه‌های خود پخش می‌کنند که پیغمبر اکرم فرمود:

«وَالَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَبَرَأَ النَّسَمَةَ إِنَّهُ لَعَهْدُ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ e إِلَى أَنْ لَا يَجِبَنِي إِلَّا مُؤْمِنٌ وَلَا يَبْغِضُنِي إِلَّا مُتَافِقٌ»

صحیح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء

التراث العربي - بيروت، تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج ۱، ص ۸۶، ح ۷۸

وقتی چنین روایتی وجود دارد که در کتاب «صحیح مسلم» جلد اول صفحه ۸۶ حدیث ۷۸ وارد شده است: "بغض علی بن ابی طالب نفاق است"؛ آیا «ابن تیمیه» که می‌گوید:

«فان كثيرا من الصحابة و التابعين كانوا يبغضونه و يسبونونه و يقاتلونونه»

آیا العیاذ بالله بیشتر صحابه منافق بودند؟! اهل سنت حداقل از امیرالمؤمنین دفاع کنند!! علی‌رغم اینکه این بحث چندین بار در اینجا مطرح شده وهابیت پاسخی در شبکه‌های خود به آن نداده‌اند، زیرا به هر طرف بروند در بن‌بست قرار می‌گیرند.

وهابیت باید بگویند که «ابن تیمیه» دروغ گفته است؛ حال آنکه حاضر نیستند به این راحتی او را تکذیب کنند، زیرا او شیخ الاسلام وهابیت است و اگر در یک مورد او را تکذیب کردند تمامی حرف‌های «ابن تیمیه» زیر سؤال می‌رود و شیخ الاسلام بودنش از دست می‌دهد.

اگر بخواهند او را تکذیب نکنند مشخص می‌شود بغض علی بن ابی طالب نفاق است و سب آن بزرگوار به منزله سب النبی است. به فرمایش نبی مکرم اسلام که فرمود:

«أن رسول الله قال: 'من سب عليا فقد سبني، ومن سبني فقد سب الله'»

هرکسی به علی ناسزا بگوید به من ناسزا گفته است و هرکسی به من ناسزا بگوید به خدا ناسزا گفته است.

سبل الهدی والرشاد فی سیرة خیر العباد، اسم المؤلف: محمد بن یوسف الصالحی الشامی، دار النشر: دار الکتب العلمیة - بیروت - ۱۴۱۴ هـ، الطبعة: الأولى، تحقیق: عادل أحمد عبد الموجود وعلی محمد معوض، ج ۱۱، ص ۲۹۴، الباب العاشر فی بعض فضائل أمير المؤمنين أبي الحسن علی بن أبي طالب بن عبد المطلب

ابن هاشم بن عبد مناف القرشی الهاشمی



این مطالب خلاصه‌ای از مطالبی بود که در جلسات گذشته به آن‌ها اشاره شد.

**مجری:**

حضرت استاد از اینکه این مطالب را به صورت مختصر و مفید بیان کردید از شما سپاسگذارم. دوستانی که برنامه‌های گذشته ما را دنبال نکرده بودند مطالب کاملاً دستشان را گرفت.

استاد می‌خواستیم ببینیم در سنت پیامبر اشاره‌ای به حرمت جواز مقاتله و حرمت جنگ با حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) شده است یا خیر؟!

**موضوع: آیا در سنت پیغمبر اکرم جواز مقاتله با امیرالمؤمنین وارد شده است؟!**

**آیت‌الله دکتر حسینی قزوینی:**

نکته خوبی است و یکی از بحث‌هایی است که باید کاملاً روشن شود. بحث سب و بغض امیرالمؤمنین کاملاً روشن است و من گمان نمی‌کنم که هیچ منصفی در این زمینه تردید کند.

کاملاً روشن و واضح است که بغض امیرالمؤمنین نفاق است و سب آن بزرگوار به هر عنوانی باشد سب النبی و سب الله است که در این مورد هیچ شکی نیست. این در حالی است که در رابطه با جنگ با امیرالمؤمنین که «ابن تیمیه» می‌گوید:

«فان كثيرا من الصحابة و التابعين كانوا يبغضونه و يسبونونه و يقاتلونهم»

من نمی‌دانم تابعینی که زمان امیرالمؤمنین را درک نکرده‌اند، چگونه با ایشان جنگیده‌اند. واقعاً نمی‌دانم!! عزیزان من عبارت ایشان را یک بار دیگر عرض می‌کنم تا عزیزان مشاهده کنند تعبیر او چیست. در کتاب «منهاج السنة النبویة» جلد ۷ صفحه ۱۳۷ وارد شده است:

«فان كثيرا من الصحابة و التابعین كانوا يبغضونه و يسبونونه و یقاتلونهم»

بسیاری از صحابه و تابعین هم بغض علی را داشتند، هم به علی ناسزا می‌گفتند و هم با علی به قتال می‌پرداختند.

مراد از این تابعین چه کسانی هستند؟! اگر این افراد خیر القرون قرنی و قرن نبی مکرم اسلام باشند باید بگوییم که اصلاً تابعین در آن قرن نبودند و بعد از این قضایا آمدند. آنچه مسلم است این است که بحث قتال با امیرالمؤمنین جای بحث و بررسی دارد.

باید ببینیم حکم جنگ‌هایی که در زمان امیرالمؤمنین در مقابل ایشان انجام شد، چیست!! در جنگ جمل به تعبیر آیت الله العظمی مکارم شیرازی هفده هزار نفر کشته شدند، درحالی‌که قرآن کریم می‌فرماید:

(وَ مَنْ یَقْتُلْ مُؤْمِنًا مَّتَعْمَدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِیْهَا)

و هر کسی فرد با ایمانی را از روی عمد به قتل برساند مجازات او دوزخ است که جاودانه در آن می‌ماند.

سوره نساء (۴): آیه ۹۳

اگر کسی مؤمنی را عمداً به قتل برساند تا ابد در جهنم باقی می‌ماند چه رسد به اینکه هفده هزار نفر باشد. البته بنابر نقل «یعقوبی» سی هزار نفر در جنگ جمل کشته شده‌اند. همچنین در جنگ صفین به نقل «یعقوبی» آمار کشته‌ها از ۱۱۰ هزار نفر هم تجاوز کرده است.

این کشته‌ها و قیام‌هایی که در مقابل امیرالمؤمنین انجام شده چه حکمی دارد؟! آیا این افراد اجتهاد کرده بودند؟! آیا آن‌ها از قرآن اجتهاد کرده بودند؟! آیا از سنت اجتهاد کرده بودند؟! آن‌ها از چه چیزی اجتهاد کرده بودند؟! مدرک اجتهاد این است که یا به آیه‌ای مراجعه کند و حکم الهی را از آن آیه استنباط کند و یا به سنت و سیره پیغمبر اکرم مراجعه کند و از آن استفاده کند.

چنین نمی‌شود که هرکسی مطلبی را به بهانه اجتهاد از پیش خود مطرح کند. در این صورت به تعبیر آیت الله العظمی مکارم شیرازی سنگ روی سنگ بند نمی‌شود و هر جنایتکاری به بهانه اجتهاد جنایت خود را تصحیح و توجیه می‌کند.

باید ببینیم که در سنت پیغمبر اکرم جنگ و حرب با امیرالمؤمنین مطرح شده است، یا خیر؟! حال ممکن است کسی بگوید چنین قضیه‌ای در کتاب و سنت نیست و این افراد این مطالب را از خودشان ساخته‌اند.

دوستان عزیز مشاهده کنید در کتاب «مستدرک علی الصحیحین» اثر «حاکم نیشابوری» جلد ۳ صفحه ۱۶۱ روایتی به نقل از «ابوهریره» نقل شده است. روایت چنین است:

**«نظر النبی إلی علی وفاطمة والحسن والحسین فقال أنا حرب لمن حاربکم وسلم لمن سالمکم»**

نبی مکرم به حضرت علی، حضرت فاطمه زهرا، امام حسن و امام حسین نظر کرد و فرمود: هر کس با شما بجنگد با من جنگیده است.

به عبارت دیگر جنگ با امیرالمؤمنین، جنگ با پیامبر است. آیا مطلبی از این واضح‌تر و روشن‌تر می‌خواهید؟  
«حاکم نیشابوری» می‌گوید:

«هذا حدیث حسن»

این روایت حسن است.

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاکم النیسابوری، دار النشر: دار  
الکتب العلمیة - بیروت - ۱۴۱۱ هـ - ۱۹۹۰ م، الطبعة: الأولى، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، ج ۳، ص ۱۶۱،  
ح ۴۷۱۳

روایت دیگری از «زید بن أرقم» نقل شده است که حضرت به امیرالمؤمنین، حضرت فاطمه زهرا، امام حسن و امام  
حسین نگاه کرد و فرمود:

«أنا حرب لمن حاربتهم وسلم لمن سالمتم»

من در جنگم با هرکسی که با شما در جنگ باشد و در صلح هستم با هرکسی که با شما در صلح باشد.

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاکم النیسابوری، دار النشر: دار  
الکتب العلمیة - بیروت - ۱۴۱۱ هـ - ۱۹۹۰ م، الطبعة: الأولى، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، ج ۳، ص ۱۶۱،  
ح ۴۷۱۴

این مطلب، بسیار واضح و روشن است. روایت بعد در کتاب «تاریخ الإسلام» اثر «ذهبی» وارد شده است. آقای  
«ذهبی» در صفحه ۹۹ همان روایت «ابوهریره» را می‌آورد که حضرت فرمود:

«أنا حرب لمن حاربكم سلم لمن سالمكم»

من در جنگم با هرکسی که با شما در جنگ باشد و در صلح هستم با هرکسی که با شما در صلح باشد.

او در ادامه می‌گوید:

«رواه أحمد فی مسنده»

احمد در کتاب مسند هم این روایت را آورده است.

«وله شاهد من حدیث زید بن أرقم»

این حدیث شاهی از زید بن ارقم هم دارد.

تاریخ الإسلام ووفیات المشاهیر والأعلام، اسم المؤلف: شمس الدین محمد بن أحمد بن عثمان الذهبی، دار

النشر: دار الكتاب العربی - لبنان/ بیروت - ۱۴۰۷ هـ - ۱۹۸۷ م، الطبعة: الأولى، تحقیق: د. عمر عبد السلام

تدمری، ج ۵، ص ۹۹، باب ۴ الحسین بن علی رضی الله عنه

به بیان بهتر قضیه از طرف ایشان قطعی است. همچنین آقای «ابن حجر عسقلانی» در کتاب «الإصابة فی تمييز

الصحابة» با تحقیق «دکتر ترکی» در جلد هشتم همین مطلب را می‌آورد که پیغمبر اکرم فرمود:

«أنا حرب لمن حاربهم وسلم لمن سالمهم»

من در جنگم با کسی که با شما بجنگد یعنی جنگ با شما جنگ با من است.

الإصابة في تمييز الصحابة، اسم المؤلف: أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل العسقلاني الشافعي، دار النشر:

دار الجيل - بيروت - ١٤١٢ - ١٩٩٢، الطبعة: الأولى، تحقيق: علي محمد البجاوي، ج ٨، ص ٥٧، ح ١١٥٨٣

آقای «ابن کثیر دمشقی» در کتاب «البدایه و النهایه» با تحقیق «دکتر ترکی» جلد ٨ صفحه ٣٦ همین تعبیر را از «امام احمد بن حنبل» نقل می‌کند که حضرت فرمود:

«أنا حرب لمن حاربتم وسلم لمن سالمتم»

البدایة والنهایة، اسم المؤلف: إسماعیل بن عمر بن کثیر القرشی أبو الفداء، دار النشر: مكتبة المعارف -

بیروت، ج ٨، ص ٣٦، باب ذکر من توفی فی هذه السنة من الأعیان

«نسائی» این روایت را نقل می‌کند و تمام این مسائل را می‌آورد. در اینجا هم هیچ‌گونه تعبیری مبنی بر این‌که این روایت از حیث سند ضعیف است یا اشکال دارد مطرح نمی‌کند. «آقای هیثمی» در کتاب «مجمع الزوائد» جلد ٩ صفحه ١٦٩ این روایت را می‌آورد می‌گوید:

«أنا حرب لمن حاربكم سلم لمن سالمکم»

«احمد بن حنبل» که متوفای ٢٤١ است این روایت را نقل کرده است. «طبرانی» که متوفای ٣٦٠ هجری است، این روایت را نقل کرده است و می‌گوید:

«وفیه تلید بن سلیمان وفیه خلاف»

در سند این روایت تلید بن سلیمان است که اختلافی است.

مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، اسم المؤلف: علی بن ابی بکر الهیثمی، دار النشر: دار الریان للتراث/دار الكتاب

العربی - القاهرة، بیروت - ۱۴۰۷، ج ۹، ص ۱۶۹، باب فی فضل أهل البيت رضی الله عنهم

عدهای او را توثیق کردند و عدهای او را تضعیف کردند. آقایان گفتند: اگر راوی را توثیق و تضعیف کرده باشند به روایت او حسن گفته می‌شود، همان‌طور که «حاکم نیشابوری» معتقد است که این روایت حسن است. بقیه رجال این روایت هم رجال صحیح است.

«ترمذی» با تحقیق «دکتر بشار» این روایت را نقل می‌کند و می‌گوید:

«أنا حَزْبٌ لِمَنْ حَارَبْتُمْ وَوَسَلَّمُ لِمَنْ سَأَلْتُمْ»

سپس می‌گوید:

«وَصَبِيحٌ مَوْلَى أُمِّ سَلَمَةَ لَيْسَ بِمَعْرُوفٍ»

صبیح مولای ام سلمه که از زید بن ارقم این روایت را نقل کرده است، آدم معروفی نیست.

الجامع الصحیح سنن الترمذی، اسم المؤلف: محمد بن عیسیٰ أبو عیسیٰ الترمذی السلمی، دار النشر: دار

إحياء التراث العربی - بیروت --، تحقیق: أحمد محمد شاکر وآخرون، ج ۵، ص ۶۹۹، ح ۳۸۷۰

آیا معروف نبودن به معنای این است که ثقه هم نیست؟ آیا معروفیت و عدم معروفیت راوی به وثاقت ضرر می‌زند یا نمی‌زند؟

عزیزان دقت کنند در کتاب «تقریب التقریب» اثر «ابن حجر عسقلانی» و همچنین در کتاب «تهذیب التهذیب» در

مورد «صبیح» مولای «أم سلمه» وارد شده است:

«ذکره بن حبان فی الثقات»

ابن حبان ایشان را در ثقات آورده است.

تهذیب التهذیب، اسم المؤلف: أحمد بن علی بن حجر أبو الفضل العسقلانی الشافعی، دار النشر: دار الفكر -

بیروت - ۱۴۰۴ - ۱۹۸۴، الطبعة: الأولى، ج ۴، ص ۳۵۹، ح ۷۱۳

بنابراین عدم معروفیت ضرری به وثاقت نمی‌زند. او همچنین در کتاب «تقریب التهذیب» می‌گوید:

«صبیح مصغر مولی أم سلمة ويقال مولی زید بن أسلم مقبول»

تقریب التهذیب، اسم المؤلف: أحمد بن علی بن حجر أبو الفضل العسقلانی الشافعی، دار النشر: دار الرشید

- سوريا - ۱۴۰۶ - ۱۹۸۶، الطبعة: الأولى، تحقیق: محمد عوامة، ج ۱، ص ۲۷۴، ح ۲۹۰۰

در این روایت وارد شده است که «صبیح» انسان مقبولی است. بنابراین با این اوصاف نمی‌توانیم بگوئیم «صبیح» انسان ثقه‌ای نیست.

نکته جالب اینکه آقای «جصاص» یکی از مفسران نامی اهل سنت که از ایشان به «حجة الإسلام الإمام أبي بكر أحمد بن علی الراضی الجصاص» تعبیر می‌شود، در جلد ۴ از کتاب «احکام القرآن» این روایت «زید بن ارقم» را نقل می‌کند.

«أن النبي ﷺ قال لعلى وفاطمة والحسن والحسين رضي الله عنهم أنا حرب لمن حاربتم سلم لمن سالمتم»

بعد می‌گوید:

«فاستحق من حاربهم اسم المحارب لله ولرسوله وإن لم يكن مشركا»



هرکسی با این چهار نفر بجنگد محارب خدا و رسولش شود، هرچند که مشرک نباشد.

أحكام القرآن، اسم المؤلف: أحمد بن علي الرازي الجصاص أبو بكر، دار النشر: دار إحياء التراث العربي -

بيروت - ١٤٠٥، تحقيق: محمد الصادق قمحاوي، ج ٤، ص ٥١، باب حد المحاربين

بنابراین هرکسی با امیرالمؤمنین، حضرت فاطمه زهرا، امام حسن و امام حسین (علیهم السلام) بجنگد هرچند مسلمان باشد، او محارب با خدا و رسول است. افرادی که با این بزرگواران می‌جنگند حکم کسی که با خداوند و رسول می‌جنگد را خواهد داشت.

به دلیل اینکه این مسئله حساس است و شاید هضم این مسئله برای بعضی از عزیزان اهل سنت سخت باشد. ما در این‌گونه مسائل سعی می‌کنیم روایات بررسی سندی کامل انجام شود و چنانچه پیرامون روات این احادیث بحثی است، بحث و بررسی کنیم.

به عنوان مثال ما «صبیح» و «تلید» را بررسی سندی کردیم. در کتاب «مسند ابن ابی شیبه» صفحه ٣٥٥ حدیث ٥٢٠ وارد شده است که پیغمبر اکرم فرمودند:

«أنا حربٌ لمن حاربكم، وسلّمٌ لمن سالمكم»

در این روایت در رابطه با «صبیح» وارد شده است:

«قال الحافظ: مقبول - أي عند المتابعة»

مراد از «حافظ» در این روایت «ابن حجر عسقلانی» است. ما نمی‌دانیم او «أی عند المتابعة» را از کجا آورده است.

«ولم أجد له متابعاً»

ما حدیثی هم سطح این نداریم.

«ذهبی» خود حدیث «ابوهریره» را آورد و گفت:

«وله شاهد من حدیث زید بن أرقم»

اگر دنبال متابع می‌گردید هم حدیث «ابوهریره» است و هم حدیث «زید بن ارقم» است. ایشان در ادامه می‌گویند:

«وهو صدوق لكنه يهم ويتشيع»

مسند ابن أبي شيبة، اسم المؤلف: أبي بكر عبد الله بن محمد بن أبي شيبة، دار النشر: دار الوطن - الرياض

- ۱۹۹۷ م، الطبعة: الأولى، تحقيق: عادل بن يوسف العزازي و أحمد بن فريد المزيدي، ج ۱، ص ۳۵۵، ح

۵۲۰

ما کاری با این قضایا نداریم، اما وقتی این افراد چنین مطالبی را مطرح می‌کنند انسان به فکر می‌رود که غرض

از این‌گونه طرز بیان چه بوده است!! در کتاب «مسند احمد بن حنبل» با تحقیق «شعیب الأرنؤوط وهابی» جلد ۲

صفحه ۴۴۲ وقتی روایت:

«نَظَرَ النَّبِيُّ ﷺ إِلَى عَلِيٍّ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَفَاطِمَةَ فَقَالَ أَنَا حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ وَبِسَلْمٍ لِمَنْ سَالَمَكُمْ»

را نقل می‌کند، «شعیب الأرنؤوط» می‌گویند:

«إسناده ضعيف جدا»

الكتاب: مسند الإمام أحمد بن حنبل، المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني، الناشر: مؤسسة قرطبة -

القاهرة، عدد الأجزاء: ٦، الأحاديث مذيّلة بأحكام شعيب الأرنؤوط عليها، ج ٢، ص ٤٤٢، ح ٩٦٩٦

او در ادامه می‌گوید: «حاکم نیشابوری» که این روایت را حسن خوانده از باب تساهل و تسامح چنین حرفی زده است.

اجازه بدهید ببینیم «ذهبی» که یکی از استوانه‌های علمی اهل سنت است درباره «تلید» چه نظری دارد!! او در کتاب «تاریخ الإسلام» حوادث ۱۹۱ تا ۲۰۰ درباره «تلید» می‌گوید:

«قال أحمد بن حنبل: كان مذهبه التشيع، ولم نر به بأساً»

احمد بن حنبل می‌گوید: مذهب تلید تشیع است و این اشکالی ندارد.

تاریخ الإسلام ووفیات المشاهیر والأعلام، اسم المؤلف: شمس الدین محمد بن أحمد بن عثمان الذهبی، دار

النشر: دار الكتاب العربی - لبنان/ بیروت - ۱۴۰۷ هـ - ۱۹۸۷ م، الطبعة: الأولى، تحقیق: د. عمر عبد السلام

تدمری، ج ۱۳، ص ۱۳۸، باب ۴ تلید بن سلیمان المحاربی الکوفی ت

هرکسی که ایشان را تضعیف کرده به دلیل تشیع ایشان بوده است. اگر قرار باشد تنها به دلیل شیعه بودن یک راوی تضعیف شود بسیاری از روایات زیر سؤال می‌رود. قبلاً هم عرض شد بسیاری از روات «بخاری» و «مسلم» بلکه بسیاری از اساتید «بخاری» و «مسلم» شیعه بودند.

«ذهبی» می‌گوید: اگر روایات و روات شیعه را از احادیث خودمان حذف کنیم حدیثی برای ما باقی نخواهند ماند. کار درستی نیست که تنها به دلیل شیعه بودن راوی را به این شکل تضعیف کنند.

تعبیر «ذهبی» در کتاب «میزان الاعتدال» در حرف «الف» در مورد «ابان بن تغلب» که شیعه بوده چنین است:

«فلو رد حدیث هؤلاء لذهب جملة من الاثار النبوية وهذه مفسدة بينة»

اگر بخواهیم احادیث شیعیان را کنار بگذاریم بخشی از احادیث پیغمبر نابود خواهد شد و این در حقیقت یک مفسده آشکار است.

میزان الاعتدال فی نقد الرجال، اسم المؤلف: شمس الدین محمد بن أحمد الذهبی، دار النشر: دار الکتب العلمیة - بیروت - ۱۹۹۵، الطبعة: الأولى، تحقیق: الشیخ علی محمد معوض والشیخ عادل أحمد عبدال موجود، ج ۱، ص ۱۱۸، ح ۱۲۵۲

«خطیب بغدادی» در کتاب «الکفایة» می‌گوید: اگر روایات اهل کوفه را به خاطر تشیع کنار بگذاریم کتاب‌های ما ویران و خراب می‌شود.

من نمی‌دانم آقایانی مثل «شعیب الأرنبوط» و دیگران زمانی حدیث «تلید» را به خاطر تشیع رد می‌کنند و نسبت به آن می‌گویند:

«ضعیف جدا»

آیا به فکر عواقب کار هم هستند، یا نه؟ در کتاب «سلسله الأحادیث صحیحه» اثر «ألبانی» که از او به «بخاری دوران» تعبیر می‌کنند در جلد ۵ در مورد روایتی که درباره امیرالمؤمنین است، می‌گوید:

«وإسناده حسن، رجاله ثقات رجال الشیخین غیر الأجلح»

روایت حسن است و رجال این روایت ثقة و رجال شیخین هستند.

«راوی هذا الشاهد شيعی»

راوی این روایت شیعه است.

«فأقول: كلاً لأن العبرة في رواية الحديث إنما هو الصدق والحفظ»

به نظر من روایت یک راوی که صادق و ضابط و حافظ بود و کاذب نبود مورد قبول است.

«وأما المذهب فهو بينه وبين ربه»

ولی در مورد مذهب راوی، بین او و خدای اوست.

«فهو حسيبه»

اگر مذهب حق دارد خدای عالم او را اجر می‌دهد و اگر مذهب باطل دارد مورد عقاب قرار می‌گیرد.

الكتاب: سلسلة الأحاديث الصحيحة وشيء من فقهها وفوائدها، المؤلف: أبو عبد الرحمن محمد ناصر الدين،

بن الحاج نوح بن نجاتي بن آدم، الأشقودري الألباني (المتوفى: ١٤٢٠ هـ)، الناشر: مكتبة المعارف للنشر

والتوزيع، الرياض، الطبعة: الأولى، (لمكتبة المعارف)، ج ٥، ص ٢٤٢، ح ٢٢٢٣

لذا نهایت مطلبی که آقایان در مورد «تلید» مطرح می‌کنند این است که او شیعه بوده است. همچنین در کتاب

«كشف الحثيث» اثر «برهان الدين حلبی» به صراحت وارد شده است:

«تليد بن سُلَيْمَانَ الكُوفِي الأَعْرَج ت قَالَ أَحْمَدُ شِيعِي لَمْ نَرِ بِهِ بَأْسًا»

سپس می‌نویسد:

«وَقَدْ وَثَّقَهُ أَحْمَدُ وَغَيْرُهُ»

«ابن معین» در مورد او گفته است:

«وَقَالَ بَنُ مَعِينٍ كَذَّابٌ يَشْتُمُ عُثْمَانَ»

او دروغگو است و عثمان را شتم می‌کرد.

و:

«وَقَالَ أَبُو دَاوُدَ رَافِضِي يَشْتُمُ أَبَا بَكْرٍ وَعَمْرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا»

ابو داود گفته است: او رافضی است و ابوبکر و عمر را شتم می‌کرد.

الكتاب: الكشف الحثيث عن رمى بوضع الحديث، المؤلف: برهان الدين الحلبي أبو الوفا إبراهيم بن محمد بن خليل الطرابلسي الشافعي سبط ابن العجمي (المتوفى: ٨٤١ هـ)، المحقق: صبحي السامرائي، الناشر:

عالم الكتب، مكتبة النهضة العربية - بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤٠٧ - ١٩٨٧، ج ١، ص ٨٠، ح ١٨٠

آن‌ها عبارتی دال بر اینکه ایشان صادق نبوده را نیاورده‌اند، بلکه تنها چیزی که به آن استدلال می‌کنند این است که او عثمان را شتم می‌کرده بنابراین ثقه نیست. این در حالی است که این افراد کسانی که امیرالمؤمنین را شتم می‌کرده‌اند را توثیق می‌کنند!!

چطور می‌شود که اگر کسی عثمان را شتم کند لقب کذاب، ملعون، خبیث و رافضی به او می‌دهند، اما اشکال ندارد که کسی امیرالمؤمنین را شتم کند.

به عنوان مثال «عریض به عثمان» روزی هفتاد بار صبح و هفتاد بار شب امیرالمؤمنین را لعنت می‌کرده است، اما او را «ثقة ثقة ثقة» خطاب می‌کند. بنابراین بحثی که آقایان آوردند بسیار مشخص است.

دو تن از صحابه این روایت را نقل کرده‌اند، آقای «حاکم نیشابوری» و دیگران این روایت را توثیق کردند و گفتند: روایت معتبر است. در اینجا باید نکته‌ای بیان شود، زیرا بعضی از آقایان در دلالت روایت و بعضی در سند روایت اشکال می‌کنند.

در کتاب «الإحسان فی تقریب صحیح ابن حبان» متعلق به «علی بن بلبان فارسی» جلد پانزدهم روایت «زید بن ارقم» وارد شده، اما نام امیرالمؤمنین حذف شده است. در این روایت وارد شده است:

**«عن زید بن أرقم أن النبي قال لفاطمة والحسن والحسين: أنا حرب لمن حاربكم و سلم لمن سالمكم»**

منبع یافت نشد

دوستان دقت کنند که سندها و روایت‌های معتبر آوردیم که؛

**«نَظَرَ النَّبِيُّ ﷺ إِلَى عَلِيٍّ وَالْحُسَيْنِ وَالْفَاطِمَةَ فَقَالَ أَنَا حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ وَسَلْمٌ لِمَنْ سَالَمَكُمْ»**

اما این شخص این روایت را این‌طور مطرح می‌کند. او با این وضع هم روایات را بررسی می‌کند و اعلام می‌کند که روایت اشکالی ندارد.

دوستان عزیز در روایت وارد شده است که فردای قیامت علی میزان الله است؛ حال کسانی که با علی بودند چه شیعه باشند و چه سنی باشند اگر نسبت به امیرالمؤمنین عشق و محبت داشتند و از ساحت ایشان دفاع کردند یقیناً در آنجا سربلند خواهند بود.

در مقابل کسانی که نسبت به امیرالمؤمنین کم مهری داشتند و بغض و عداوت نسبت به امیرالمؤمنین ابراز می‌کنند، قطعاً روز قیامت شرمنده هستند و هیچ راه گریزی در محکمه عدل الهی نخواهند داشت.

### مجری:

خیلی ممنون و سپاسگذارم؛ غربت و مظلومیت امیرالمؤمنین بعد از هزاران سال هنوز هم در منابع و کتابها و نوشته‌ها وجود دارد و می‌توان آن را دید.

نکته مهمی که می‌توان به آن پرداخت و در رابطه با مظلومیت وجود نازنین مولا امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام است، این است که در سنت پیامبر اکرم اشاره‌ای به فتنه‌هایی که بعد از حضرت می‌شود شده یا نه؟! رهنمودهای آن بزرگوار در مقابل با فتنه‌ها چه بوده است؟

### موضوع: پیشگویی‌های پیغمبر اکرم از فتنه‌های زمان خلافت امیرالمؤمنین

### آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

نکته بسیار خوبی اشاره کردید. در رابطه با این موضوع مسائل زیادی وجود دارد و ما در جلسات بعد به آن خواهیم پرداخت.

ما کلیاتی را مطرح می‌کنیم همانند اینکه پیغمبر اکرم فرمودند: جنگ با علی جنگ با من است، مخالفت با علی مخالفت با من است ایذاء علی ایذاء من است!!



ان شاء الله بعد از بیان این مطالب به حول قوه الهی از این کانال وارد می شویم و بیان می کنیم که فرمایش مبارک پیامبر در مورد جنگ با امیرالمؤمنین چیست؟ به طور کلی خوارج سه جنگ با امیرالمؤمنین داشتند؛ جنگ جمل، جنگ صفین و جنگ نهروان!!

ما باید ببینیم که اصلاً پیغمبر اکرم در رابطه با این جنگ‌ها روایت صریح و صحیحی دارند یا ندارند؟ وقتی روایتی داشته باشیم امکان ندارد که اسم امیرالمؤمنین را حذف نکند، زیرا از طرفی امیرالمؤمنین فرمودند: پیغمبر اکرم مرا به قتال با ناکثین و قاسطین و مارقین دستور دادند.

«ابوسعید خدری» بگوید: پیغمبر اکرم ما را به قتال با ناکثین و قاسطین و مارقین امر فرموده‌اند. از طرفی دیگر «ابوذر»، «عمار»، «ابو ایوب انصاری» و دیگر صحابه روایاتی دارند که ان شاء الله روایات او را خواهم خواند.

امشب روایتی خواهم خواند در مورد اینکه وقتی «ابو ایوب انصاری» از جنگ صفین آمدند، به ایشان اعتراض شد که شما دارای افتخارات زیادی هستید؛ چرا با مسلمانان می جنگید؟! او جواب دندان شکنی می دهد که خیلی جذاب است.

در مورد این سؤال: "آیا پیغمبر اکرم به فتنه‌ها اشاره کرده است، یا نه؟!" باید بگویم که در کتاب «تاریخ دمشق» اثر «ابن عساکر» جلد ۴۲ صفحه ۴۵۰ روایتی از قول «ابو لیلا غفاری» صحابی پیامبر اعظم نقل شده است. او می گوید که از پیغمبر اکرم شنیدم که فرمود:

**«ستكون من بعدی فتنة»**

بعد از رحلت من در امت فتنه ایجاد خواهد شد.

**«فإذا كان ذلك فالزموا علي بن أبي طالب»**

اگر فتنه‌ای بعد از من اتفاق افتاد ملازم علی بن ابی‌طالب باشید و در آن صف و جهتی باشید که علی بن ابی‌طالب است.

«فإنه أول من يراني وأول من يصفحني يوم القيامة»

زیرا اول کسی که در قیامت مرا می‌بیند و با من مصافحه می‌کند علی است.

«وهو معي في السماء الأعلى»

علی با من در آسمان‌ها است.

«وهو الفاروق بين الحق والباطل»

و اوست که فارق بین حق و باطل است.

اگر علی در یک‌طرف بود و تمام مسلمانان در طرفی دیگر بودند؛ علی حق است و دیگران باطل هستند. همچنانکه در صفحه قبل وارد شده است:

«علي مع الحق والحق مع علي ولن يتفرقا حتى يردا علي الحوض يوم القيامة»

علی با حق است و حق با علی، این دو تا حوض کوثر از هم جدا نمی‌شوند.

تاریخ مدینه دمشق و ذکر فضل‌ها و تسمیه من حل‌ها من الأمثال، اسم المؤلف: أبی القاسم علی بن الحسن  
إبن هبة الله بن عبد الله الشافعي، دار النشر: دار الفكر - بيروت - ۱۹۹۵، تحقیق: محب الدین أبی سعید عمر  
بن غرامة العمری، ج ۴۲، ص ۴۴۹ و ۴۵۰، باب آخر الجزء التاسع والتسعين بعد الأربعمئة من الفرع

در دنیا حق با علی است، در قیامت حق با علی است و در برزخ هم حق با علی است!! وقتی امیرالمؤمنین حق است تنها راه نجات و امان از فتنه و اختلاف و غضب الهی این است که در فتنه‌ها با حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) باشید.

آقای «ابن اثیر جزری» در کتاب «أسد الغابة» جلد ۶ صفحه ۲۸۴ این روایت را با تعبیر دیگر می‌آورد و می‌نویسد که پیغمبر اکرم فرمودند:

**«ستكون بعدی فتنة، فإذا كان ذلك فالزموا علی بن أبی طالب»**

بعد از من فتنه‌ای می‌آید، اگر فتنه‌ای شد ملازم علی بن ابی‌طالب باشید تا اینجا که:

**«وهو الصدیق الأكبر، وهو فاروق هذه الأمة»**

علی بن ابی‌طالب صدیق اکبر و فاروق امت است.

این حرف ما شیعیان نیست، بلکه در کتاب «أسد الغابة فی معرفة الصحابة» اثر «ابن اثیر» متوفای ۶۳۰ هجری با تحقیق بزرگان و اساتید دانشگاه الأزهر مصر نوشته شده است.

**«یفرق بین الحق والباطل، وهو یعسوب المؤمنین»**

علی بن ابی‌طالب است که حق را از باطل جدا می‌کند و افتخار مؤمنین است.

أسد الغابة فی معرفة الصحابة، اسم المؤلف: عز الدین بن الأثیر أبی الحسن علی بن محمد الجزری، دار النشر: دار إحياء التراث العربی - بیروت / لبنان - ۱۴۱۷ هـ - ۱۹۹۶ م، الطبعة: الأولى، تحقیق: عادل أحمد

الرفاعی، ج ۶، ص ۲۸۴، ح ۶۲۰۰

با تعبیری که پیغمبر اکرم نسبت به امیرالمؤمنین دارد، حضرت دستور دادند در فتنه ملازم علی باشید؛ زیرا او صدیق اکبر است، فاروق امت است، حق را از باطل جا می‌کند و سرور مؤمنین است.

همین عبارت را «ابن حجر عسقلانی» در کتاب «الإصابة فی تمييز الصحابة» جلد ۷ صفحه ۳۵۴ دارد و می‌نویسد:

«سیکون من بعدی فتنة فإذا كان ذلك فألزموا علی بن أبی طالب فإنه أول من آمن بی وأول من یصافحنی

یوم القيامة وهو الصدیق الأكبر وهو فاروق هذه الأمة وهو یعسوب المؤمنین والمال یعسوب المنافقین»

بعد از من فتنه‌ای خواهد افتاد و در این فتنه ملازم علی بن ابی طالب باشید او اول کسی است که به من ایمان آورده است، اولین کسی است که در قیامت با من مصافحه می‌کند. او صدیق اکبر، فاروق امت، سرور و افتخار مؤمنین است اما مال و ثروت افتخار و سرور منافقین است.

الإصابة فی تمييز الصحابة، اسم المؤلف: أحمد بن علی بن حجر أبو الفضل العسقلانی الشافعی، دار النشر:

دار الجیل - بیروت - ۱۴۱۲ - ۱۹۹۲، الطبعة: الأولى، تحقیق: علی محمد البجاوی، ج ۷، ص ۳۵۴، ح ۱۰۴۷۸

در کتاب «تاریخ بغداد» جلد ۱۳ با تحقیق «دکتر بشار» روایت مفصلی بیان شده است. زمانی که خواستیم جنگ صفین، جمل و نهروان را بیان کنیم و بگوییم که آیا پیغمبر اکرم خبر داده یا نداده است و این جنگ‌ها به دستور پیغمبر اکرم بوده یا نه، این روایت را مفصل عرض خواهیم کرد.

به جهت اینکه دوستان ما اعم از شیعه و اهل سنت خوب دقت کنند به این روایت می‌پردازیم. روایت بسیار زیبا است و بنده هر وقت این روایت را می‌خوانم لذت می‌برم. «علقمه» و «اسود» دو تن از صحابه وقتی که از صفین برمی‌گشتند نزد «ابو ایوب انصاری» رفتند و گفتند:

یا ابا ایوب! خداوند عالم افتخار بزرگی به شما داده است و آن افتخار این بود زمانی که پیغمبر اکرم وارد مدینه شد همه دوست داشتند میزبان پیغمبر اکرم باشند، ولی نبی گرامی اسلام فرمود: من شتر خود را رها می‌کنم و او هرکجا خوابید من در آنجا اسکان پیدا می‌کنم.

ابا ایوب! زمانی که پیغمبر اکرم به مدینه آمد، شتر پیغمبر به خاطر تفضل و اكرامی كه از طرف خداوند عالم داشت در خانه شما خوابید و چنین افتخاری در پرونده اعمال توست.

«ثم جئت بسيفك على عاتقك تضرب به أهل لا إله إلا الله»

شمشیر به دست گرفته‌ای و گوینده لا اله الا الله را می‌کشید.

حداقل بازهم خوب شد که گفت: گوینده «لا اله الا الله»، نه کسانی که قرآن سرنیزه می‌کنند.

«فقال يا هذا إن الرائد لا يكذب أهله»

«ابو ایوب انصاری» جواب داد: پیغمبر اکرم به ما دروغ نگفتند و وعده‌ها و دستوراتشان همگی درست است.

«وإن رسول الله e أمرنا بقتال ثلاثة مع علي بقتال الناكثين والقاسطين والمارقين»

پیغمبر اکرم به ما دستور دادند با سه دسته در رکاب علی بجنگیم؛ با ناکثین، مارقین و قاسطین.

دقت داشته باشید که این کتاب شیعه نیست، بلکه کتاب «تاریخ بغداد» است و این مطلب هم از «ابو ایوب انصاری» است.

«فأما الناكثون فقد قابلناهم أهل الجمل طلحة والزبير»

ناکثین کسانی بودند که در جمل بودند و با آنها جنگیدیم.

«وَأَمَّا الْقَاسِطُونَ فَهَذَا مُنْصَرَفْنَا مِنْ عِنْدِهِمْ يَعْنِي مَعَاوِيَةَ وَعَمْرًا»

قاسطین کسانی هستند که از جنگ با آنها برمی‌گردیم یعنی معاویه و عمروعاص.

«وَأَمَّا الْمَارِقُونَ فَهَمُّ أَهْلِ الطَّرْفَاوَاتِ وَأَهْلِ السَّعِيفَاتِ وَأَهْلِ النَّخِيلَاتِ وَأَهْلِ النَّهْرَوَانَاتِ»

مارقون کسانی هستند که در جنگ نهروان بودند.

«وَاللَّهِ مَا أَدْرِي أَيْنَ هُمْ وَلَكِنْ لَا بَدَّ مِنْ قِتَالِهِمْ إِنْ شَاءَ اللَّهُ»

الآن خبر ندارم کجا هستند ولی لابد با آنها هم خواهیم جنگید.

رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند که باید با ناکثین، قاسطین و مارقین بجنگید. جالب این

است که در آخر روایت می‌گوید:

«وَسَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ لِعِمَارٍ يَا عِمَارُ تَقْتُلُكَ الْفِئَةُ الْبَاغِيَّةُ وَأَنْتَ إِذْ ذَاكَ مَعَ الْحَقِّ وَالْحَقُّ مَعَكَ»

من شنیدم از پیامبر که به عمار فرمود: ای عمار! گروه باغیه تو را خواهند کشت درحالی که تو با حق هستی و

حق با توست.

«يَا عِمَارُ بَنَ يَاسِرٍ إِنْ رَأَيْتَ عَلِيًّا قَدْ سَلَكَ وَادِيَا وَسَلَكَ النَّاسَ وَادِيَا غَيْرَهُ فَاسْلُكْ مَعَ عَلِيٍّ فَإِنَّهُ لَنْ يَدْلِكَ فِي

رَدِي وَلَنْ يَخْرُجَكَ مِنْ هَدْيِي»

ای عمار! اگر دیدی که تمام مردم راهی مروند و علی به تنهایی راهی دیگر می‌رود تو با علی باش و روش و جهتی را در پیگیری که علی در آن است، زیرا علی تو را به گمراهی نمی‌برد و از هدایت بیرون نمی‌کند.

«یا عمار من تقلد سیفا أعان به علیا علی عدوه قلده الله یوم القیامة وشاحین من در ومن تقلد سیفا أعان به عدو علی علیه قلده الله یوم القیامة»

ای عمار! هر کسی شمشیر به دست بگیرد و علی را کمک کند فردای قیامت سرفراز خواهد بود و هر کسی شمشیر به دست بگیرد و دشمنان علی را کمک کند فردای قیامت گرفتار آتش خواهد بود.

«وشاحین من نار قلنا یا هذا حسبک الله حسبک رحمک الله»

دو نفری که نزد ابو ایوب انصاری آمده بودند، گفتند: کفایت می‌کند! کفایت می‌کند.

تاریخ بغداد، اسم المؤلف: أحمد بن علی أبو بکر الخطیب البغدادی، دار النشر: دار الکتب العلمیة - بیروت، ج ۱۳، ص ۱۸۶، ح ۷۱۶۵

شیعه افتخار کن که علی بن ابی طالب امام تو است. ای کسی که محبت علی در دل توست و محبت دشمنان علی از دل تو بیرون است افتخار کن که پیغمبر اکرم فرمودند: اگر همه در یک طرف باشند و علی به تنهایی در طرف دیگر باشد، امیرالمؤمنین حق است.

مجری:

حضرت استاد به نظر بنده همین حدیث کفایت می‌کند و این موضوع بسیار روشن و واضح است.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

به قول معروف در خانه اگر کسی است، یک حرف بس است!! ما این روایات را مفصل بحث می‌کنیم؛ «ابن کثیر دمشقی» نزدیک به ۱۴ روایت می‌آورد که پیغمبر اکرم به امیرالمؤمنین دستور داده بودند که با این افراد بجنگد. دوستان دقت کنید که «ابن تیمیه» می‌گوید:

«فان كثيرا من الصحابة و التابعين كانوا يبغضونه و يسبونونه و يقاتلونهم»

بسیاری از صحابه و تابعین بغض علی را در دل داشتند و او را سب می‌کردند و با او به قتال می‌پرداختند.

اولاً «کثیرا من الصحابة» دروغ محض است، زیرا ما بیان می‌کنیم که چه مقدار از صحابه در جنگ جنگ و صفین در رکاب امیرالمؤمنین بوده‌اند. شاید بتوان گفت ۹۸ درصد از صحابه با علی بودند و شاید ۲ درصد با معاویه بودند.

اصلاً ما کاری به این حرف‌ها نداریم؛ زیرا اگر هم تمام صحابه با معاویه باشند هر کجا علی باشد حق با علی بن ابی‌طالب است. از این مباحث معلوم می‌شود که جایی برای جهاد نیست.

کسانی که ادعا می‌کنند اجتهاد کردند اجتهاد از چه بوده است؟! آیا از قرآن اجتهاد کردند یا از روایت اجتهاد کردند؟! روایات که خلاف این مطلب را می‌گوید.

وهابیت باید روایتی بیاورند که گفته باشد: ای مردم، وقتی علی خلیفه شد چون از قاتلین عثمان انتقام نگرفته است با علی بجنگید. اگر چنین باشد باید با ابوبکر هم می‌جنگیدند، زیرا از قاتلین بسیاری از افراد انتقام نگرفت.

عزیزان دقت داشته باشید ملاک واژه اجتهاد نیست!! تعبیر آیت الله العظمی مکارم شیرازی در کتاب «تفسیر نمونه» چنین است: اگر قرار باشد ما با اجتهاد بخواهیم کار را جلو ببریم سنگ روی سنگ بند نمی‌آید و قابلیت استناد ندارد.



نمی‌توانیم بگوییم به دلیل اینکه صحابه اجتهاد کرده‌اند، بنابراین اجتهاد درست است. اجازه بدهید بنده تعبیر آیت  
الله العظمی مکارم شیرازی را در مورد اجتهاد نمایش بدهم؛ ایشان در کتاب «تفسیر نمونه» جلد ۷ صفحه ۲۶۵ بعد  
از نقل داستان اصحاب رده می‌نویسد:

"بعضی موضوع «اجتهاد» را دستاویز قرار داده و می‌گویند افرادی مانند «طلحه» و «زبیر» و «معاویه» و  
همکاران آن‌ها مجتهد بودند و اشتباه کردند، اما گناهی از آن‌ها سر نزد بلکه اجر و پاداش در برابر همین  
اعمالشان از خداوند خواهند گرفت!!

راستی چه منطق رسوایی است؟ مگر قیام بر ضد جانشینی پیامبر ص و شکستن پیمان، و ریختن خون  
هزاران بی‌گناه آنهم بخاطر جاه طلبی و رسیدن به مال و مقام، موضوع پیچیده و نامعلومی است که کسی از  
زشتی آن با خبر نباشد؟

آیا ریختن آن همه خون بی‌گناهان در پیشگاه خداوند اجر و پاداش دارد؟! اگر ما این چنین بخواهیم  
گروهی از صحابه را که مرتکب جنایاتی شدند تبرئه کنیم بطور مسلم هیچ گنهکاری در دنیا وجود نخواهد  
داشت و با این منطق همه قاتلان و جانپان و جباران را تبرئه خواهیم کرد.

اینگونه دفاع‌های بی‌رویه از صحابه سبب بدبینی به اصل اسلام خواهد شد. بنا بر این چاره‌ای جز این نداریم  
که برای همه مخصوصاً صحابه پیامبر احترام قائل شویم ولی تا آن روز که از مسیر حق و عدالت و  
برنامه‌های اسلام منحرف نشده باشند!"

الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل (تفسیر نمونه) (فارسی)، نویسنده: الشیخ ناصر مکارم الشیرازی، ج ۷،

این کلام حق و صحیح و منطبق با قرآن و سنت پیغمبر اکرم و اهل بیت (علیهم السلام) است.

### مجری:

از استاد خیلی ممنونم. البته بنده سؤالات بیشتری هم یادداشت کرده بودم که از شما پرسم، اما به دلیل اینکه می‌خواهیم در خدمت دوستان خوب بیننده هم باشیم، صدای گرمشان را بشنویم، در این برنامه مشارکت داشته باشند و مطالبشان را بیان کنند بحث را خاتمه می‌دهیم.

فاصله کوتاهی را داشته باشیم، بعد ان شاء الله می‌خواهیم برگردیم و صدای گرم مخاطبین عزیزمان را بشنویم. این برنامه زنده «جبل المتین» از «شبکه جهانی ولایت» است؛ یک میان برنامه از مدح و منقبت آقا و مولای عزیزمان امیرالمؤمنین بشنویم و برمی‌گردیم.

### اشهد أن علیاً ولی الله

شکر خدا که نام علی در اذان ماست

ما شیعه‌ایم و عشق علی هم از آن ماست

از «یا علی» زبان و دهان خسته کی شود

اصلاً زبان برای همین دردهان ماست

یا علی مدد!! خیلی ممنونم از آقای روح‌الله موسوی به جهت این میان برنامه زیبا که حال و هوای دل‌مان را عوض کرد و جگرمان خنگ شد.

وقتی مدح حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) را می‌شنویم هرکسی در این عالم باشد فرقی نمی‌کند چه شیعه و سنی و از ادیان دیگر باشد وقتی محبت امیرالمؤمنین در دل دارد باید با شنیدن نام آن بزرگوار حال و هوای دلش عوض شود.

هرکسی مدح و منقبت مولا امیرالمؤمنین را شنیده است باید حال و هوای دلش عوض شود. الهی شکر، الحمدلله رب العالمین.

### تماس بینندگان برنامه:

ما می‌خواهیم در زمان کمی که از برنامه مانده صدای گرم دوستان خوب بیننده را بشنویم و در خدمت دوستان باشیم. اولین بیننده ما سرکار خانم محسنی از سیری‌جان هستند. خواهرم خدمت شما سلام عرض می‌کنم، ان‌شاءالله شب شما بخیر باشد:

بیننده (خانم محسنی از سیری‌جان - شیعه):

خدمت شما مجری محترم و استاد عزیز سلام عرض می‌کنم.

مجری:

در خدمتیم خواهرم، بفرمایید.

بیننده:

من می‌خواستم در مورد توسل صحبت کنم.

مجری:

خیلی عالی است.

بیننده:

خداوند متعال در آیه ۳۵ سوره مائده فرمودند:

**(يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ)**

ای کسانی که ایمان آورده‌اید پرهیزگاری پیشه کنید و وسیله‌ای برای تقرب به خدا انتخاب نمائید و در راه او جهاد کنید باشد که رستگار شوید.

**سوره مائده (۵): آیه ۳۵**

خداوند در این آیه خطاب به مؤمنین سه راه برای رسیدن فلاح و رستگاری بیان می‌کنند؛ تقوا، تقرب به خداوند و جهاد در راه خدا.

در جواب اینکه تقرب به خداوند در این آیه به چه صورت بیان شده باید بگوییم یکی از راه‌های تقرب این است که ولی خدا و انسان صالح را در پیشگاه خداوند قرار دهیم و طلب حاجت را به وسیله واسطه قرار دادن به ولی خدا و انسان صالح انجام دهیم.

این امر منافاتی با توحید ندارد، زیرا انسان کسی که مقرب‌تر است را نزد خداوند واسطه قرار می‌دهد و انسان اعتقاد دارد به اینکه خداوند به مؤمن مقرب لطف دارد دارد و به همین خاطر حاجت انسان برآورده می‌کند که این عین توحید است.

شرک در توسل این است که انسان معتقد باشد غیر خدا مستقل عمل می‌کند و در برابر اراده خدا اراده مستقلی دارد. شیعه چنین اعتقادی ندارد و چنین نیست که ائمه معصومین مستقل عمل می‌کنند. در حدیث شریف کساء وقتی پیامبر با پنج تن آل عبا زیر عبا قرار گرفتند، فرمودند:

«اللهم إن هؤلاء أهل بيتي، و خاصتي و حامتي، لحمهم لحمي، و دمهم دمي، يؤلمني ما يؤلمهم، و يحزنني ما يحزنهم، أنا حرب لمن حاربهم، و سلم لمن سالمهم، و عدو لمن عاداهم، و محب لمن أحبهم، إنهم مني و أنا منهم، فاجعل صلواتك و بركاتك و رحمتك و غفرانك و رضوانك علي و عليهم و اذهب عنهم الرجس و طهرهم تطهيرا»

عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآيات و الأخبار و الأقوال (مستدرک سيدة النساء إلى الإمام الجواد)، نویسنده: بحرانی اصفهانی، عبد الله بن نور الله، محقق / مصحح: موحد ابطحي اصفهانی، محمد باقر، ج ۱۱، ص ۹۳۳، باب نص حدیث الكساء الشریف المقدس سنداً و متناً

اینجا سؤالی از کسانی که حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) و اعتقادات شیعه را زیر سؤال می‌برند دارم و آن اینکه کسان زیادی اطراف پیامبر بودند چرا آن‌ها اهل کساء نشدند؟ این افراد همیشه این سؤال را از خودشان داشته باشند که چرا این افراد اهل کساء شدند و افراد دیگر نشدند؟ حتماً دلیل خاصی وجود داشته است که خداوند این گروه را قرار داده است.

**مجری:**

اگر مطلبی دیگری است لطفاً کوتاه بفرمایید چون وقت کم است.

**بیننده:**

شیطان گفته که من بر صراط مستقیم قرار می‌گیرم و مردم را از صراط مستقیم گمراه می‌کنم. در تمام تفاسیر صراط مستقیم، علی بن ابی‌طالب معرفی شده است. بنابراین هر زمانی که شیطان مردم را از راهی دور می‌کرد بدانید که آن راه، راه علی بن ابی‌طالب است.

### آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

دست شما درد نکند خواهرم، خدا جزای خیر به شما بدهد ان شاءالله، موفق و مؤید باشید.

### مجری:

خانم محسنی خیلی ممنونم. از شما تشکر می‌کنم و با شما خداحافظی می‌کنم. سه موردی که صحبت کردید بسیار خوب بود، از شما ممنونم. بیننده بعدی ما محمد آقا از پاکستان هستند. سلام علیکم، در خدمتیم:

بیننده (محمد آقا از پاکستان - شیعه):

سلام خدمت شما مجری محترم و استاد آیت الله قزوینی.

### آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سلام علیکم و رحمة الله.

### مجری:

اگر شما صدای گیرنده را ببینید و فقط از طریق تلفن باهم صحبت کنیم ممنون می‌شویم تا بتوانیم راحت با هم صحبت کنیم.

**پیننده:**

دو سؤال داشتم که واقعاً برایم مشکل بود. خدا را شکر که امشب با شما تماس گرفتم، اولین سؤال اینکه پیغمبر اکرم در نماز دستهای خود را بعد از باز کردن دوباره بسته است؟

سؤال دوم اینکه ما با برادران اهل سنت درباره تراویح ماه مبارک رمضان بحثهای زیادی داریم. آیا مولا علی (سلام الله علیه) در تراویح آنان شرکت کرده بودند، یا خیر؟! فقط دو سؤال از شما داشتم، تشکر می‌کنم.

**مجری:**

محمد جان از شما ممنونم، ان شاءالله عاقبت به خیر شوید. از طریق گیرنده تلویزیون همراهی بفرمایید، ما جواب شما را خواهیم داد. چون فرصت بیشتر از این برای تلفنهای بیشتر را نداریم به همین دو سؤال محمد آقا از پاکستان پاسخ می‌دهیم.

جناب استاد سؤال اول ایشان این بود که وجود نازنین پیامبر اعظم که در نماز با دست باز می‌خواندند آیا در جایی دستهای خود را بسته‌اند یا خیر؟! نماز پیامبر به شکل بوده است؟!!

**آیت‌الله دکتر حسینی قزوینی:**

در این زمینه اختلافات زیادی وجود دارد، روایاتی که بزرگواران اهل سنت در کتاب «مسند احمد بن حنبل» نقل می‌کنند موجود است.

یکی از اصحاب پیامبر اسلام به نام «ابو حمید ساعدی» در محضر ۱۰ نفر از صحابه که یکی از آنها «ابو قتاده» بود، می‌گوید: من عالم‌ترین شما به نماز پیامبر هستم. من بیشتر دیده‌ام پیامبر چگونه نماز می‌خواند. من می‌خواهم آن‌طور که پیامبر نماز می‌خواند نماز بخوانم.

ایشان بلند شد و مثل پیامبر نماز خواند. آن بزرگوار تمام قد می‌ایستادند، دست‌ها را تا گوش بالا می‌برند، رکوع می‌رفتند و بعد از بلند شدن «الله اکبر» می‌گفتند.

او تمام جزئیات نماز پیغمبر را دارد؛ به عنوان مثال زمانی که پیغمبر اکرم بلند می‌شدند «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ» می‌گفتند، زمانی که به سجده می‌رفتند «الله اکبر» می‌گفتند و حتی انگشتان پای خود را باز می‌کردند.

در این روایت تمام ریزه‌کاری‌های نماز رسول گرامی اسلام وارد شده است، اما در اینجا نه از آمین گفتن و نه از دست بسته بودن خبری است و این مطلب بسیار روشن است.

بزرگان اهل سنت این مطالب را بیان کرده‌اند. روایت «ابو حمید ساعدی» در کتاب «مسند احمد بن حنبل» جلد ۵ صفحه ۴۲۴ و همچنین «ابن حجر عسقلانی» در کتاب «تلخیص الحبیر» جلد ۳ صفحه ۳۷۵ وارد شده است.

بزرگان اهل سنت همگی روایت «ساعدی» را می‌آوردند، روی آن مانور می‌دهند و همه می‌گویند این روایت صحیح و معتبر است و شکی در آن نیست.

در مورد نماز تراویح باید بگوییم بزرگان اهل سنت معتقدند پیغمبر اکرم نماز تراویح که نمازی مستحبی بوده را به جماعت نخوانده‌اند. می‌توانید به کتاب «صحیح بخاری» حدیث ۶۱۱۳ و حدیث ۲۰۰۹ مراجعه کنید. در حدیث ۱۹۰۵ روایتی از «ابوهریره» وارد شده است که می‌گوید:



«من قام رَمَضَانَ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ قَالَ بِن شِهَابٍ فَتُوِّفَى رَسُولَ اللَّهِ ﷺ وَالْأَمْرُ عَلَى

ذَلِكَ ثُمَّ كَانَ الْأَمْرُ عَلَى ذَلِكَ فِي خِلَافَةِ أَبِي بَكْرٍ»

در این روایت وارد شده است که نماز تراویح نه در زمان پیامبر و نه در زمان ابوبکر نبود.

«وَصَدْرًا مِنْ خِلَافَةِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا»

نماز تراویح در بخشی از خلافت عمر هم نبود.

عمر بن خطاب دید در مسجد مردم پراکنده نماز می‌خوانند و هرکس برای خودش نماز می‌خواند. او به یکی از صحابه به نام «أبی بن کعب» گفت: خوب است شما جلو بیفتید و مردم پشت سر شما نماز بخوانند و مردم پشت سر او نماز خواندند.

«قَالَ عُمَرُ نِعْمَ الْبِدْعَةُ هَذِهِ»

عمر گفت: چه بدعت خوبی است.

این نرم افزار، نرم افزار اهل سنت بلکه وهابی‌ها است که عربستان سعودی آن را آپدیت کرده است. سپس عمر می‌گوید:

«وَالَّتِي يَنَامُونَ عَنْهَا أَفْضَلُ مِنَ الَّتِي يَقُومُونَ»

آن‌هایی که در خانه استراحت می‌کنند بهتر از کسانی هستند که در مسجد نماز تراویح می‌خوانند.

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار ابن

كثير، اليمامة - بيروت - ١٤٠٧ - ١٩٨٧، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج ٢، ص ٧٠٧، ح

١٩٠٥ و ١٩٠٦

**مجری:**

روایت نداریم که امیرالمؤمنین در این نماز شرکت کرده باشند؟!

**آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

در این باره اصلاً یک مورد هم نداریم. در کتاب «کافی» وارد شده است که امیرالمؤمنین از نماز تراویح نهی کرد مردم به آن بزرگوار گفتند: "سنت عمر را نابود می‌کنید"، اما حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) ناراحت شد به امام حسن (علیه السلام) فرمود: بگذار بخوانند.

**مجری:**

استاد خیلی ممنونم. وقت برنامه به پایان رسیده است، دعا بفرمایید.

**آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

عزیزان در هرکجای این گیتی پهناور هستند خالصانه آمین بگویند، زیرا اگر یکی از این آمین‌ها به اجابت برسد ان‌شاءالله دعای همه قبول شده است.

خدا تو را قسم می‌دهیم به آبروی حضرت محمد و آل محمد بالأخص به آبروی حضرت زهرا (سلام الله علیها) فرج مولای ما امام زمان نزدیک بفرما. خدایا ما را از یاران خاص آن بزرگوار قرار بده.

خدایا رفع گرفتاری از گرفتاران بنما. حوائج حاجت‌مندان روا نما. خدایا حوائج ما، حوائج دست‌اندرکاران «شبکه جهانی ولایت»، حوائج بینندگان عزیز مخصوصاً عزیزان ولایت یاور را به حق حضرت امیرالمؤمنین و حضرت زهرا برآورده نما.

خدایا دغدغه‌های فکری همه ما و بینندگان ما را برطرف ساز.

عزیزان زیادی التماس دعا گفتند مخصوصاً عزیزان زیادی مریض دارند که در بیمارستان یا گوشه خانه افتاده است. من این آیه شریفه را پنج بار می‌خوانم و ان‌شاءالله عزیزان ما این آیه را به قصد شفای جمیع بیماران مخصوصاً بیماران مورد نظر قرائت کنند:

(أَمَّنْ يَجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ الشُّوْع)

یا کسی که دعای مضطر را اجابت می‌کند و گرفتاری را برطرف می‌سازد.

سوره نمل (۲۷): آیه ۶۲

خدایا به حقیقت این آیه مبارکه بر تمام بیماران به ویژه بیماران مورد نظر شفای عاجل کرم فرما. خدایا دعاهای ما را به اجابت برسان.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

مجری:

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم

خیلی ممنونم که امشب هم همراه ما و بیننده برنامه زنده «حبل المتین» بودید.

يا على مدد، خدانگهدار